

## یادداشت سردبیر

### ضرورت پیوند میان ظرفیت‌های بالقوه پژوهشی و نیازهای جامعه کتابداری

هر چند با وجود مسأله‌های حل نشده بسیاری که در حوزه اطلاع رسانی وجود دارد، به لحاظ منطقی انتظار می‌رود انتخاب موضوع‌های بکر پژوهشی کار دشواری نباشد، واقعیت این است که همین انتخاب موضوع پایان‌نامه در مقطع کارشناسی ارشد و حتی دکتری دشوارترین مرحله‌ای است که دانشجویان کتابداری و اطلاع رسانی در مدت اشتغال به تحصیلات تکمیلی آن را تجربه می‌کنند. به جز معدود دانشجویانی که موضوع مورد نظر خود را به ویژه در مقطع دکتری حتی پیش از پذیرفته شدن در مقطع مربوطه در ذهن دارند و مقدمات اجرای آن را فراهم کرده‌اند، اکثر دانشجویان پس از اخذ درس سمینار تحقیق و به ویژه با نزدیک شدن زمان ارائه پروپوزال با معضلی به نام انتخاب موضوع پایان‌نامه روبرو می‌شوند و تکاپوی گاه‌نومیدانه آن‌ها برای یافتن یک موضوع غیرتکراری و قابل پژوهش آغاز می‌شود. البته نکته این جاست که متأسفانه در این تلاش و سرگردانی برای یافتن موضوع، کاربردی بودن آن و حل مشکلی از مشکلات حوزه اطلاع رسانی، معیار مهم و تعیین‌کننده‌ای نیست و اجرای پایان‌نامه وظیفه و تکلیفی است که به هر نحوی باید انجام شود.

مدرسان درس سمینار تحقیق، معمولاً از نزدیک شاهد اضطراب دانشجویان برای یافتن موضوع مناسب هستند و تلاش می‌کنند با کاستن از نگرانی‌های آن‌ها، در این فرایند دشوار همراه آن‌ها باشند، اما موضوع به این سادگی نیست و با توجه به تعداد زیاد دانشجویان کارشناسی ارشد، بیشترین کاری که در کلاس‌های سمینار تحقیق می‌توان انجام داد، بررسی موضوع‌های پیشنهادی دانشجویان و کشاندن موضوع‌ها به مسیرهای مناسب پژوهشی است و در واقع انتخاب و پیشنهاد اولیه موضوع معمولاً به عهده دانشجویان است. با توجه به این که پایان‌نامه معمولاً اولین تجربه پژوهشی دانشجویان کارشناسی ارشد است، این انتظار نیز معقول نخواهد بود که همه دانشجویان بتوانند موفق به انتخاب موضوع‌های بدیع و کاربردی شوند. هر چند که گروه‌های تخصصی کتابداری و اطلاع رسانی در دانشگاه‌های مختلف (با درجات متفاوتی از سخت‌گیری) تلاش بر این دارند که از تصویب موضوع‌های تکراری اجتناب شود، در نهایت در کنار پژوهش‌های بدیع و نوآورانه، پژوهش‌های کم و بیش تکراری نیز در برخی گروه‌های تخصصی تصویب و اجرا می‌شود که این نیز با توجه به مشکلات دانشجویان در انتخاب موضوع، به نظر اجتناب‌ناپذیر می‌رسد.

نکته قابل تأمل در این زمینه این است که از یک سو مسائل و نیازهای پژوهشی عمده‌ای در مراکز اطلاع رسانی، نهادها و کتابخانه‌های کشور وجود دارد و از سوی دیگر دانشجویان تحصیلات تکمیلی کتابداری و اطلاع رسانی در مرحله ارائه پروپوزال

برای پایان نامه های خود، پس از طی دوره ای از اضطراب و سرگردانی سرانجام تلاش های پژوهشی خود را صرف موضوعی نه چندان کاربردی و گاهی تکراری می کنند. در واقع این عدم برقراری پیوند میان ظرفیت های بالقوه پژوهشی و نیازهای جامعه کتابداری منجر به اتلاف انرژی های عظیمی می شود که در صورت استفاده در مسیر مناسب، نتایج مشهودی در حوزه پژوهش های کتابداری به دنبال خواهد داشت.

سؤال این است که چه راه حلی برای برون رفت از این معضل وجود دارد. یک راه حل می تواند این باشد که اعضای هیأت علمی موضوع های پژوهشی مناسب را در اختیار دانشجویان قرار بدهند و دانشجویان بدون این که نقشی در انتخاب موضوع داشته باشند، صرفاً پژوهشی با یک موضوع از پیش تعیین شده را اجرا نمایند. هر چند که این امر در بسیاری از رشته های علمی معمول است و به نظر روش مناسبی می رسد، به دو دلیل، راه حل قطعی محسوب نمی شود. یکی این که به دلیل مشغله فراوان اعضای هیأت علمی، که معمولاً در هر نیمسال تحصیلی راهنمایی چند دانشجوی جدید را در کنار دانشجویانی که از پیش تحت راهنمایی دارند، به عهده می گیرند، نمی توان از آن ها انتظار داشت که با اطلاع دقیق از جزئیات نیازهای مراکز اطلاع رسانی و کتابخانه ها، برای همه دانشجویان موضوع های مناسب و بدیع پژوهشی تدارک دیده و در اختیار آن ها قرار دهند. از سوی دیگر این نکته نیز مطرح است که مرحله انتخاب موضوع (اگر شرایط مناسب آن فراهم شود)، خود نیز دارای بار آموزشی برای دانشجویان است و دانشجویان جهت انتخاب موضوع مناسب پژوهشی با مطالعات نظری و مراجعه به مراکز مختلف و ایجاد ارتباطات علمی، موفق به کسب تجاربی می شوند که در صورت تجویز موضوع پژوهش از این تجارب محروم خواهند شد.

به نظر می رسد در زمینه حل معضل انتخاب موضوع پایان نامه، مناسب ترین راه حل که در عین مرتفع ساختن مشکلات و سرگردانی های دانشجویان در این رابطه، می تواند ارتقای کیفی موضوع های پایان نامه ها و اجتناب از تکرار را نتیجه بدهد، تعیین دقیق اولویت های پژوهشی نهادها، مراکز اطلاع رسانی، کتابخانه های مختلف و البته کتابخانه ملی است. این امر پیش از این نیز تا حدی مورد توجه بوده است و برخی مراکز و نهادها اولویت های پژوهشی خود را به صورت پراکنده و مقطعی اعلام می کنند. اما نکته این جاست که اعلام اولویت های پژوهشی به صورت موضوع های کلی و گاهی مبهم کمک چندانی به انتخاب موضوع های مناسب توسط دانشجویان نمی کند و به همین دلیل، معمولاً اعلام اولویت ها به انجام پژوهش های کاربردی و حل مسائل نهادها و مراکز مربوطه منجر نمی شود. البته لازم به ذکر است برخی مراکز و نهادها در این زمینه تا کنون عملکرد نسبتاً مناسبی داشته اند. برای مثال فهرست اولویت های پژوهشی نهاد کتابخانه های عمومی کشور در سال ۱۳۹۱ به جز برخی موضوع های کلی، در مجموع از جامعیت و پژوهش پذیری خوبی برخوردار است.

انجام کارشناسی دقیق در مورد نیازهای پژوهشی نهادها و کتابخانه های کشور در شوراهای پژوهشی این مراکز با استفاده از همکاری نزدیک متخصصان روش های پژوهش و تعیین زمینه های پژوهشی مورد نیاز این مراکز به صورت کاملاً دقیق و پژوهش پذیر، می تواند موجب پیوند میان پژوهش های دانشجویی و نیازهای پژوهشی مراکز مختلف شود. به نظر می رسد توجه جدی تر مراکز اطلاع رسانی و کتابخانه های کشور به این مهم، و اختصاص جلساتی از شوراهای پژوهشی این مراکز به تعیین اولویت ها در فواصل زمانی معین، ضرورتی است که نتیجه مثبتی در تعیین مسیر مناسب پژوهش های دانشگاهی به دنبال خواهد داشت. تهیه فهرست های اولویت های پژوهشی با ذکر موضوع های خاص و دقیق مورد نیاز، و روزآمدسازی مرتب این فهرست ها با حذف موضوع هایی که پروپوزال آن ها در دانشگاه ها تصویب و به این مراکز اعلام شده، و اطلاع رسانی وسیع این اولویت ها در سایت های سازمان ها و نیز به گروه های تخصصی کتابداری و اطلاع رسانی، اقدامی اساسی در جهت بهبود شرایط پژوهش های دانشگاهی است.